



اصطلاحات و مفاهیم بیمه‌ای (۱۶)

● دکتر محمد هوشنگی

INCOTERMS (International Commercial Terms)

اینکو ترمز

خود تعیین می‌کند (کارخانه، انبار، ...) به صورت آماده برای حمل به خریدار تحویل می‌دهد. به این ترتیب از تاریخ تحویل به بعد کلیه هزینه‌های مربوط به بارگیری کالا در وسیله نقلیه و حمل به مقصد، بیمه، تخلیه در مقصد و غیره به عهده خریدار می‌باشد. منتهی اگر برای شمارش کالا یا توزین آن یا بسته‌بندی کالا جهت تحویل به خریدار هزینه‌هایی صرف شود این هزینه‌ها به عهده فروشنده خواهد بود.

۲- اصطلاح FCA (Free Carrier)

این اصطلاح مبین آن است که فروشنده کالا را (پس از پرداخت حقوق و عوارض مربوط به صادرات) به حمل کننده‌ای که توسط خریدار معرفی گردیده در محل تعیین شده تحویل می‌دهد. در صورتی که محل تعیین شده انبار یا کارخانه فروشنده باشد، هزینه بارگیری به عهده فروشنده است ولی اگر جای دیگر باشد فروشنده مسئول بارگیری نمی‌باشد. از این اصطلاح در حمل‌های دریایی زمینی، هوایی و یا حمل مرکب می‌توان استفاده کرد.

۳- اصطلاح FAS (Free Alongside Ship)

منظور از این اصطلاح، تحویل کالا در کنار کشتی است. بدین

اینکو ترمز به مجموعه‌ای از اصطلاحات متداول در تجارت بین‌المللی کالا اطلاق می‌شود که رسمیت آنها توسط اتاق بازرگانی بین‌المللی تأیید شده و به کاربردن این اصطلاحات در قراردادهای فروش کالا موجب می‌شود حقوق و تعهدات طرفین معامله در چارچوب مقررات موضوعه در این اصطلاحات مسجل گردد و جایی برای سوء تفاهم‌های احتمالی باقی نگذارد.

اصطلاحات موضوعه در قلمرو INCOTERMS اولین بار در سال ۱۹۳۶ توسط اتاق بازرگانی بین‌المللی منتشر گردید که به اینکو ترمز ۱۹۳۶ معروف بود. پس از آن در سال‌های ۱۹۵۳ و ۱۹۶۷ و ۱۹۷۶ و ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و بالاخره در سال ۲۰۰۰ اصلاحاتی در بعضی از آنها به عمل آمد و مواردی نیز اضافه شد.

اینکو ترمز ۲۰۰۰ که هم اکنون رایج است، شامل ۱۳ اصطلاح می‌باشد و هر اصطلاح متضمن توافق خاصی در زمینه قرارداد فروش کالا است و حدود وظایف فروشنده در امر تحویل کالا به خریدار را مشخص می‌سازد. این اصطلاحات عبارتند از:

۱- اصطلاح EXW (Ex Works)

منظور از این اصطلاح این است که فروشنده کالا را در محلی که

وارد به کالا همچنین هرگونه هزینه‌های اضافی ناشی از حوادثی که بعد از زمان تحویل حادث شود به عهده خریدار خواهد بود. این اصطلاح نیز طبق مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی مربوط به حمل دریایی یا آبراه داخلی می‌باشد. ضمناً در رابطه با بیمه کالا خریدار باید توجه کند که طبق اصطلاح CIF فروشنده فقط ملزم به تحویل حداقل پوشش بیمه می‌باشد. اگر خریدار خواستار پوشش بیشتر می‌باشد باید صراحتاً چنین توافقی را با فروشنده به عمل آورد یا این که به هزینه خود بیمه مازاد تحصیل نماید. به هر حال بیمه‌نامه طبق شرایط مؤسسه بیمه‌گران لندن صادر می‌شود و مبلغ بیمه شامل قیمت مندرج در قرارداد به علاوه ده درصد خواهد بود.

۷- اصطلاح CPT (Carriage Paid To)

منظور از این اصطلاح این است که فروشنده کالا را به حمل‌کننده منتخب خود تحویل می‌دهد تا آن را به مقصد برساند. برای این منظور فروشنده با حمل‌کننده قرارداد حمل منعقد می‌نماید. بنابراین کلیه هزینه‌های ترخیص کالا جهت صدور و هزینه حمل تا مقصد به عهده فروشنده می‌باشد. لکن کلیه مسئولیت‌ها و هر هزینه دیگری بعد از این که کالا تحویل حمل‌کننده شد به عهده خریدار می‌باشد. منظور از حمل‌کننده نیز هر شخصی است که اجرا یا تدارک حمل از طریق راه‌آهن، حمل جاده‌ای، هوایی، دریایی یا آبراه داخلی یا ترکیبی از این چند نوع حمل را در یک قرارداد حمل تعهد می‌کند.

این اصطلاح شبیه اصطلاح CFR می‌باشد، با این تفاوت که CFR مخصوص حمل دریایی کالا می‌باشد ولی CPT هر نوع حملی را شامل می‌شود.

۸- اصطلاح CIP (Carriage and Insurance Paid To)

طبق این اصطلاح کرایه حمل کالا تا سقف تعیین شرط و حق بیمه آن توسط فروشنده پرداخت می‌شود. یعنی فروشنده کالا را به حمل‌کننده منتخب خود تحویل می‌دهد و هزینه حمل تا مقصد تعیین شده را به وی می‌پردازد. بنابراین خریدار باید کلیه مسئولیت‌ها و هزینه‌های اضافی بعد از تحویل کالا را متقبل شود. ضمناً فروشنده باید برای خریدار در قبال خطر ناشی از فقدان یا خسارت وارد به کالا در جریان حمل بیمه‌نامه تهیه نماید و لذا فروشنده حق بیمه را نیز می‌پردازد. در این اصطلاح نیز بیمه با حداقل پوشش به عهده فروشنده می‌باشد. منظور از حمل‌کننده هر شخصی است که اجرا یا تدارک حمل از طریق راه‌آهن، حمل جاده‌ای، دریایی، آبراه داخلی یا ترکیبی از این چند نوع حمل را در یک قرارداد حمل به عهده می‌گیرد. در صورتی که برای حمل به مقصد از حمل‌کننده‌های بعدی استفاده شود مسئولیت متوجه

معنی که فروشنده موقعی که کالا را در کنار کشتی در بندر حمل تعیین شده قرار دهد، تحویل را انجام داده است. از آن زمان به بعد فروشنده هیچگونه تعهدی در مورد حفظ و نگهداری کالا ندارد بلکه خریدار باید کلیه هزینه‌ها و مسئولیت‌های ناشی از فقدان یا خسارت وارد به کالا را از آن لحظه به بعد به عهده بگیرد. در صورت استفاده از این اصطلاح، فروشنده ملزم به ترخیص کالا برای صدور می‌باشد و بالطبع هزینه‌های مربوط به بازرینی کیفیت کالا، اندازه‌گیری، توزین، شمارش که لازمه تحویل کالا می‌باشد نیز به عهده فروشنده خواهد بود.

۴- اصطلاح FOB (Free on Board)

منظور از FOB تحویل کالا روی عرشه کشتی است. این اصطلاح مخصوص حمل دریایی کالا می‌باشد. با توجه به این اصطلاح موقعی تحویل کالا به خریدار انجام شده تلقی می‌گردد که کالا از نرده کشتی در بندر تعیین شده عبور کند. بنابراین کلیه هزینه‌ها و مسئولیت‌های ناشی از فقدان یا خسارت وارد به کالا از آن زمان به بعد به عهده خریدار است.

لکن هزینه‌هایی که مربوط به انتقال کالا به کشتی باشد به عهده فروشنده خواهد بود. همچنین هزینه‌های مربوط به ترخیص کالا به منظور صادرات نیز به عهده فروشنده می‌باشد. طبق این اصطلاح چنانچه کشتی معرفی شده توسط خریدار به موقع به بندر نرسد یا نتواند کالا را بارگیری نماید، یا بارگیری در کشتی زودتر از زمان اعلام شده توسط خریدار تعطیل شود، در این صورت هزینه‌های مربوط به این امور به عهده خریدار می‌باشد.

۵- اصطلاح CFR (Cost and Freight)

در این اصطلاح که قبلاً C & F بوده قیمت کالا و کرایه حمل آن تا بندر مقصد ملحوظ می‌باشد. فروشنده باید هزینه‌ها و کرایه حمل کالا تا بندر مقصد را بپردازد ولی مسئولیت فقدان خسارت وارد به کالا، همچنین هرگونه هزینه اضافی ناشی از حوادثی که بعد از زمان تحویل حادث شود به عهده خریدار می‌باشد. اصطلاح CFR فروشنده کالا را ملزم به ترخیص کالا برای صدور می‌نماید. این اصطلاح کلیه هزینه‌های مربوط به صدور کالا، بارگیری کالا در کشتی و هرگونه مخارج تخلیه کالا در بندر مقصد (در صورتی که در قرارداد فروش کالا شرط خلافی قید نشده باشد) به عهده فروشنده می‌باشد.

۶- اصطلاح CIF (Cost Insurance and Freight)

در اصطلاح CIF قیمت کالا و کرایه حمل تا بندر مقصد و حق بیمه حمل کالا ملحوظ می‌باشد. کلیه هزینه‌های مربوط به ترخیص کالا جهت صدور و حمل کالا تا بندر مقصد و نیز بیمه کالا به عهده فروشنده می‌باشد. لکن مسئولیت فقدان یا خسارت‌های

■ اصطلاحات

موضوعه در قلمرو

INCOTERMS اولین بار

در سال ۱۹۳۶ توسط

اتاق بازرگانی بین‌المللی

منتشر گردید که به

اینکوترمز ۱۹۳۶

معروف بود. پس از آن

در سال‌های ۱۹۵۳ و

۱۹۶۷ و ۱۹۷۶ و ۱۹۸۰

و ۱۹۹۰ و بالاخره در

سال ۲۰۰۰ اصلاحاتی در

بعضی از آنها به عمل

آمد و مواردی نیز

اضافه شد

جابجا نمایند هزینه جابجائی به عهده خریدار خواهد بود. همچنین کلیه هزینه‌های مربوط به ترخیص کالا در مقصد انجام تشریفات گمرکی و پرداخت عوارض و مالیات و سایر هزینه‌ها به عهده خریدار است.



این اصطلاح فقط در صورتی که کالا از طریق دریا یا آبراه داخلی یا حمل مرکب که مرحله نهائی آن توسط کشتی باشد حمل گردد کاربرد دارد.

۱۲- اصطلاح DDU (Delivered Duty Unpaid)

تحويل بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی. یعنی فروشنده کالا را بدون ترخیص برای واردات و بدون تخلیه از وسیله نقلیه در مقصد تعیین شده تحويل می‌دهد. بدین ترتیب کلیه مسئولیت‌ها و هزینه‌های مربوط به حمل کالا تا مقصد تعیین شده به عهده فروشنده می‌باشد. لکن هزینه‌های مربوط به ترخیص کالا به عهده خریدار خواهد بود. در واقع هزینه‌های مربوط به صدور کالا (صادرات) به عهده فروشنده و هزینه‌های مربوط به ورود کالا به کشور خریدار (واردات) به عهده خریدار می‌باشد. این اصطلاح بدون توجه به نوع حمل در هر مورد قابل استفاده است.

۱۳- اصطلاح DDP (Delivered Duty Paid)

تحويل با پرداخت حقوق و عوارض گمرکی. یعنی فروشنده کالا را پس از ترخیص برای واردات و بدون تخلیه از وسیله حمل در مقصد تعیین شده تحويل می‌دهد. در این صورت کلیه هزینه‌ها و مسئولیت‌های مربوط به حمل کالا تا مقصد تعیین شده و پرداخت حقوق و عوارض گمرکی و ترخیص کالا به عنوان واردات به عهده فروشنده می‌باشد. از این اصطلاح نیز بدون توجه به نوع حمل می‌توان استفاده کرد.

اولین حمل‌کننده خواهد بود.

اصطلاح CIP فروشنده کالا ملزم به ترخیص کالا برای صدور می‌نماید.

۹- اصطلاح DAF (Delivered at Frontier)

تحويل در مرز، یعنی زمانی وظیفه فروشنده به اتمام می‌رسد که وی کالا را پس از ترخیص برای صدور روی وسیله نقلیه بدون این که تخلیه شود در مرز کشور مورد نظر در اختیار خریدار قرار دهد، در این صورت هزینه ترخیص کالا برای ورود به نقطه و محل تعیین شده به عهده خریدار است. واژه مرز را می‌توان برای هر مرزی از جمله مرز کشور صادرکننده به کار برد. بنابراین تعیین دقیق مرز مورد نظر با ذکر نقطه و محل آن در این اصطلاح از اهمیت خاصی برخوردار است. البته اگر قصد طرفین این باشد که فروشنده مسئولیت تخلیه کالا و

هزینه آن را هم متحمل شود باید این موضوع به وضوح در قرارداد فروش قید شود. از این اصطلاح می‌توان بدون توجه به نوع حمل برای مواقعی که قرار است کالا در مرز زمینی تحويل شود، استفاده کرد. اگر تحويل در بندر مقصد روی عرشه کشتی یا در لنگرگاه انجام می‌شود باید از اصطلاحات DES یا DEQ استفاده کرد.

۱۰- اصطلاح DES (Delivered Ex Ship)

از این اصطلاح زمانی استفاده می‌شود که فروشنده طبق قرارداد موظف باشد کالا را در روی کشتی در بندر تخلیه مورد نظر به خریدار تحويل دهد. در این صورت هزینه تخلیه در بندر مقصد به عهده خریدار است. ولی چنانچه نظر این باشد که فروشنده کالا را تخلیه کند از اصطلاح DEO باید استفاده شود.

در اصطلاح DES هزینه حمل کالا تا بندر تخلیه به عهده فروشنده می‌باشد و تحويل زمانی تحقق پیدا می‌کند که امکان انتقال کالا از کشتی توسط تجهیزات تخلیه متناسب با ماهیت کالا وجود داشته باشد. بنابراین کلیه مسئولیت‌های فقدان یا خسارت وارد به کالا تا هنگامی که امکان تخلیه کالا از کشتی فراهم آید به عهده فروشنده خواهد بود.

۱۱- اصطلاح DEQ (Delivered EX Quay)

کاربرد این اصطلاح زمانی است که فروشنده موظف باشد کالا را در بندر تعیین شده در روی اسکله (بارانداز) به خریدار تحويل دهد. در این صورت کلیه هزینه‌ها و مسئولیت‌های مربوط به حمل کالا تا بندر تعیین شده و تخلیه آن در اسکله با فروشنده است. لکن اگر قرار باشد پس از تخلیه کالا در اسکله آن را